

## نقدی بر تصحیح دیوان سیف اسفرنگی<sup>۱</sup>

دکتر علیرضا شانظری<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

### چکیده

سیف‌الدین اسفرنگی از شاعران کمتر شناخته‌شده ادبیات فارسی در اواخر سده ششم و اواسط سده هفتم هجری است. سیف اسفرنگی همچون دیگر شاعران سبک خراسانی، در بیشتر انواع شعر فارسی طبع آزمایی کرده است. با وجود اینکه اسفرنگی در میانه دو سبک خراسانی و عراقی زندگی کرده، بیشتر به سبک خراسانی متمایل بوده است. در دیوان او، هم به فتح‌نامه و هم به چپستان (لغز) برمی‌خوریم. اسفرنگی از بین شاعران قرن ششم هجری بیش از همه به خاقانی توجه دارد، به گونه‌ای که می‌توان او را تالی خاقانی نامید. وی علاوه بر خاقانی، به اشعار شمس طبسی هم نظر داشته است. دیوان اسفرنگی در سال ۱۳۵۷ش در پاکستان به صورت سنگی چاپ شد. با وجود دقت نظر مصحح در تصحیح دیوان، در برخی موارد، ناهماهنگی‌ها و خطاهایی دیده می‌شود که بهتر است در تجدید چاپ این کتاب مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله، ضمن پرداختن به برخی تأثیرپذیری‌های اسفرنگی از خاقانی و

مشابهاتی که با شمس طبسی دارد، این خطاها و ناهماهنگی‌ها بررسی می‌شود.

## واژه‌های کلیدی

سیف اسفرننگی، خاقانی، شمس طبسی، دیوان، تصحیح.

### ۱. مقدمه

سیف‌الدین احمد اسفرننگی از شاعران کمتر شناخته‌شده زبان و ادبیات فارسی، بنا به تصریح خود شاعر در سال ۵۸۱ق در اسفرنگ یا اسفره از توابع سمرقند به دنیا آمد:

مرا مادر پس از تاریخ هجرت      به سال پانصدوهشتادویک زاد

(اسفرننگی، ۱۳۵۷، ۲۲-۲۳)

هرچند به قول ذبیح‌الله صفا می‌توان سال مذکور را پانصدوهفتادویک هم خواند (صفا، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۹۷) و از سوی دیگر این بیت در قطعه‌ای ذکر شده که فقط در چهار نسخه از پنج نسخه مصحح دیوان آمده (بابا صفری و نصری، ۱۳۸۸: ۱۹)، باید پذیرفت که این تنها تصریح شاعر به تاریخ تولدش بوده که بسیار حائز اهمیت است. نبودن بیتی در تمام نسخه‌ها چیزی از اهمیت آن بیت کم نمی‌کند. بر اساس این بیت، حتی اگر آن را پانصدوهفتادویک هم بخوانیم، تولد شاعر در اواخر سده ششم روی داده است. درباره تحصیلات شاعر اطلاعات معتبری در دست نیست. سیف اسفرننگی در دربار خوارزمشاهیان به سر برده و مقرب دربار علاءالدین محمد تکش خوارزمشاه بوده است (اسفرننگی، ۱۳۵۷: ۲۴). در دیوان سیف اسفرننگی نشانه‌هایی وجود دارد که به دلالت آن می‌توان فهمید مقصود از سنجر، نه آن‌گونه که صفا حدس زده، سلطان سنجر سلجوقی (صفا، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۹۶) بلکه علاءالدین محمد بن تکش است (بابا صفری و نصری، ۱۳۸۸: ۲۲).

سیف اسفرننگی با شاعران بسیاری از جمله سعدی، مولوی، کمال‌الدین اسماعیل، ظهیر

فاریابی و خاقانی معاصر بوده، ولی بیشتر با شعر سیف باخرزی، شمس حدادی معروف به شمس خاله، ضیای فارسی و رشیدی سمرقندی مانوس بوده است (اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۲۹-۳۰). چنان‌که از اشعار سیف برمی‌آید، با شمس خاله، ضیاءالدین خجندی و مجیرالدین بیلقانی، مشاعره و معارضه داشته است (صفا، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۹۵). دربارهٔ مذهب سیف اسفرنگی همانند دیگر شاعران این دوره، نمی‌توان به نظر جامعی دست یافت؛ زیرا از یک سو در ابیاتی، به‌صراحت از سنی بودن خود سخن می‌گوید:

مذهب بوحنیفه را پیش‌نماز امّتم      دور نباشد از بود قامت راستم دوتا  
(اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۲۷)

از سویی دیگر در ابیاتی دربارهٔ اهل بیت پیامبر<sup>(ص)</sup> چنین می‌سراید:

از توست نهال ملک سرسبز      چون دوحهٔ دین ز آل یاسین  
(همان: ۴۰۶)

همان‌طور که دربارهٔ تاریخ ولادت شاعر اختلاف نظر وجود دارد، این اختلاف دربارهٔ تاریخ وفات شاعر هم دیده می‌شود. با توجه به اینکه اکثر تذکره‌نویسان اتفاق نظر دارند که سیف اسفرنگی ۸۵ سال عمر کرده و با عنایت به تصریح شاعر به تاریخ ولادت خود، سال ۶۶۶ را می‌توان به‌عنوان تاریخ وفات شاعر در نظر گرفت (همان: ۳۳). اما اگر مطابق نظر صفا (صفا، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۹۵) در بیت مذکور، سال ۵۷۱ را در نظر بگیریم، سال ۶۵۶ تاریخ وفات شاعر خواهد بود.

دربارهٔ سیف اسفرنگی به دلیل شهرت اندک شاعر، تاکنون فقط یک مقاله دربارهٔ تأثیرپذیری سیف از خاقانی نوشته شده است. در این مقاله با عنوان «سیف اسفرنگی و تأثیرپذیری وی از خاقانی»، گونه‌های مختلف تأثیرپذیری سیف اسفرنگی از خاقانی با شواهد بسیار بررسی شده است.

## ۲. نگاهی به دیوان سیف اسفرننگی

### ۱-۲. مقدمه دیوان

دیوان سیف اسفرننگی در سال ۱۳۵۷ به کوشش خانم زبیده صدیقی، در مولتان پاکستان به صورت سنگی چاپ شده است. آن طور که مصحح می‌گوید، از بین نسخه‌های متعدد دیوان شاعر (هجده نسخه) از نه نسخه بهره برده و نسخه کتابخانه گنج بخش اسلام‌آباد پاکستان را اساس قرار داده، اما روش تصحیح التقاطی است؛ چراکه مصحح می‌گوید: هیچ‌یک از این نسخه‌ها را کاملاً و عملاً اساس قرار نداده‌ایم بلکه در متن، صحیح‌ترین را در بالا و اختلاف بقیه نسخه‌ها را در پاورقی ذکر کرده‌ایم. پس علامت هیچ نسخه به اصطلاح «اصل» ذکر نشده است (اسفرننگی، ۱۳۵۷: ۵۸). تصحیح دیوان اسفرننگی، پایان‌نامه دکتری خانم صدیقی در دانشگاه تهران بوده و آن طور که خود می‌گوید، پس از فراغت از تحصیل و همچنین فراغت از مشکلات و گرفتاری‌های زندگی، بنا به تقاضاهای متعددی که از دانشگاه‌های بسیار داشته، تصمیم می‌گیرد دیوان شاعر را منتشر کند. با دستمزدی که از مرکز تحقیقات فارسی پاکستان می‌گیرد، به چند کاتب پول می‌دهد تا دیوان سیف را بنویسند. پس دیوان چاپ سنگی سیف اسفرننگی به قلم چند کاتب (که نامشان در پیشگفتار کتاب آمده) نوشته شده است. اگر بخواهیم در یک نگاه کلی قضاوت کنیم، باید بگوییم که کار خانم صدیقی در تصحیح دیوان سیف اسفرننگی، کاری شایسته تحسین است. اما در این اثر، گاه به برخی ناهماهنگی‌ها و ضبط‌های نادرست برمی‌خوریم که در این مقاله بررسی می‌شود. ضمناً نگارنده این مقاله برای دستیابی به نتایج مستند، اثر چاپی را با دو نسخه زیر مقابله کرده است:

- نسخه مجلس شورای اسلامی، کتابت رجب سال ۱۰۲۰ق، کاتب: محمد قاسم انصاری، خط نستعلیق.

- نسخه مجلس شورای اسلامی، کتابت صفر سال ۱۰۲۶ق، کاتب: نامشخص، خط نستعلیق.

## ۲-۲. سیف اسفرنگی پیرو سبک خراسانی یا عراقی

هرچند که در ایران نامگذاری سبک‌ها قاعده‌ اصولی ندارد، بر اساس همین قواعد نابهنجار باید سبک شعری سیف اسفرنگی را خراسانی یا لااقل بینابین خراسانی و عراقی بدانیم. خانم صدیقی در مقدمه خود بر دیوان شاعر می‌نویسد: «سیف سبک عراقی را پیش گرفته و از استادان بزرگ این سبک، خاقانی و ظهیر، تتبع کرده است» (همان: ۳۶) و در جایی دیگر سیف را حد واسط سبک عراقی و هندی دانسته، می‌نویسد: «شعر سیف به اندازه بیشتری مختصات سبک عراقی را دارد، ولی از راه عراق، انحراف قابل توجهی به سوی هند کرده است و از شعرای سرمشق خود، خاقانی و ظهیر، مختصات سبک هندی را بیشتر به خود راه داده است؛ پس می‌شود سیف را شاعر سبک متوسط عراقی و هندی خواند» (همان: ۴۰). درحالی که بر اساس محورهای سه‌گانه زبانی، فکری و ادبی سبک شعر سیف خراسانی است، با تأمل بیشتر باید سبک شعر سیف اسفرنگی را سبک بینابین یا سبک عهد سلجوقی خواند. در این سبک، غزل آنان متمایل به سبک عراقی و قصیده آنان متمایل به سبک خراسانی است، بدون آنکه دقیقاً آن باشد (شمیسا، ۱۳۷۲: ۶۴).

در دیوان سیف اسفرنگی، فتح‌نامه وجود دارد که در سبک عراقی، یا اصلاً وجود ندارد یا اینکه بسامدش کمتر است. اما در دیوان سیف، نه فتح‌نامه دیده شد که مطلع یکی از آن‌ها چنین است:

ز شام پرچم سلطان هلال فتح شد پیدا      چو شمع از سر گرفت این بارگاه ملک و دین بالا

(اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۷۹)

علاوه بر فتح‌نامه، سیف اسفرنگی در سرودن چیستان یا لغز هم که در سبک خراسانی به فراوانی دیده می‌شود، طبع‌آزمایی کرده و هفت لغز سروده است. محجوب درباره رواج چیستان می‌نویسد: «در این عصر (دوره غزنویان)، ساختن و سرودن چیستان‌ها در تغزل قصاید، رواج و رونقی تمام یافت و شاعران در این زمینه، مجالی وسیع و عرصه‌ای سخت

فراخ برای طبع آزمایی و عرض هنر دیدند و لغزهای دلپذیر نه تنها درباره اجسام که درباره کیفیات و معانی ذهنی و معقول نیز پرداختند» (محجوب، ۱۳۷۲: ۳۹۷). پس چیستان‌ها در تغزل قصاید کاربرد داشته و این خود دلیلی است بر اینکه چیستان در سبک عراقی که عمدتاً غزل قالب مسلط است، وجود ندارد. مطلع یکی از چیستان‌های سیف اسفرنگی که در توصیف شمع گفته، چنین است:

آن چیست که می‌کند هم از تن هر شب ز نهیب خویش جوشن  
(اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۳۶۵)

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم که عمدتاً در سبک خراسانی کاربرد دارد، در دیوان سیف به فراوانی دیده شد. در قدیم، علاوه بر مصدر ساختن حرف اضافه بر مفعول غیر صریح، حرف اضافه دیگری نیز پس از آن می‌آوردند. این قاعده کم‌وبیش تا قرن هفتم هجری رواج داشته است (محجوب، ۱۳۷۲: ۴۶).

برای نمونه، به بیت‌های زیر اشاره می‌شود:

تا به صبح عشق در، محرم قدسیان شوی خیز چو صبح آستین از سر صدق برفشان  
(اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۴۱۸)

کام حسود ترا به دار فنا بر حادثه بی‌حلقه طناب شکسته  
(همان: ۴۳۴)

سیف اسفرنگی در قصیده‌ای به مطلع زیر، این ویژگی را در محل قافیه به کار برده:  
ای بند نهاده سر زلفت به سحر بر عَناب تو آورده قیامت به شکر بر  
(همان: ۲۴۷)

این را هم باید در نظر داشت که در سبک عراقی، غزل، قالب رایج و مسلط است. حال آنکه در دیوان سیف اسفرنگی، غلبه با قصیده است و غزل‌های اندک سیف شور و حال غزل‌های سبک عراقی را ندارد. خانم صدیقی خود به این مسئله اقرار کرده، می‌نویسد: سیف در غزل، استادی و قدرت قصیده را ندارد و غزل‌های او خیلی متوسط است (همان: ۴۹).

### ۳. سیف اسفرنگی و خاقانی

سیف اسفرنگی از بین شعرای هم‌عصر خود، بیش از همه به خاقانی نظر داشته و قصاید بسیاری را در جواب قصاید خاقانی سروده است. این مطلب را برخی از تذکره‌نویسان هم متذکر شده‌اند.<sup>۲</sup> شعر و سخن اسفرنگی یادآور طرز و طور خاقانی است. او چیره‌دستی خود را در ابداع معانی با خاقانی قیاس می‌کند و پیدا است که خود را تالی و پیرو خاقانی می‌داند (باباصفری و نصری، ۱۳۸۸: ۲۴). هرچند اسفرنگی به شاعران دیگری به‌خصوص انوری توجه زیادی داشته، اذعان شاعر به پیروی از خاقانی از یک سو<sup>۳</sup> و پیروی از بعضی ویژگی‌های قصاید خاقانی<sup>۴</sup> از سوی دیگر، باعث می‌شود تا او را واقعاً تالی خاقانی بدانیم نه شاعری دیگر. اما دو ویژگی عمده‌ای که سیف اسفرنگی در به‌کاربردن آن‌ها قطعاً به خاقانی نظر داشته، عبارت‌اند از: ۱. تجدید مطلع: این ویژگی هرچند مختصه اصلی سبک آذربایجانی به حساب می‌آید، در دیوان خاقانی بسامد بیشتری دارد، به گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از مختصات سبک فردی خاقانی به حساب آورد. شمیسا می‌نویسد: «خاقانی تجدید مطلع را در قصیده باب کرد. تجدید مطلع قبل از او هم بود و در دیوان فرخی دیده می‌شود، اما در خاقانی به‌لحاظ بسامد، حکم مختصه سبکی را دارد» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۸۸-۱۱۳). علی حیدری در مقاله‌ای، علت و فلسفه تجدید مطلع در خاقانی را مدح‌گریزی دانسته، می‌نویسد: «شاعر در تجدید مطلع قصاید مدحی تعمّدی داشته؛ چراکه از مجموع قصاید چند مطلعی (چهل قصیده) ۳۱ قصیده در مدح سلاطین، وزرا و درباریان است. از سوی دیگر، بسیاری از قصاید وی که در مدح شاهان و درباریان نیست، تجدید مطلع ندارند. دلیل دیگر این است که در قصاید مدحی، ابیات تغزل به مراتب بیشتر از ابیات مدح است» (حیدری، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۰۸).

سیف اسفرنگی هم در چندین قصیده، تجدید مطلع کرده است؛ هرچند که انگیزه او مدح‌گریزی نبوده است. برای مثال در قصیده‌ای که در جواب قصیده خاقانی<sup>۵</sup> به مطلع «خرد خطی است نورانی و لوح ارواح انسا نش / نوشته در زبور وهم عشر آیات برهانش» (اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۲۹۸) سروده، یک بار تجدید مطلع کرده است:

سخن شمع‌ست روحانی و زلف خط شبستانش      به نور قدسیان کرده مدد پروانه‌ جانش

ویژگی دیگر که از مختصات سبک فردی خاقانی به حساب می‌آید و سیف اسفرننگی هم از آن تبعیت کرده، استعاره‌های ترکیبی است. در شعر خاقانی، امتزاج ترکیب‌سازی و استعاره‌پردازی منجر به آفرینش ترکیباتی با کارکرد استعاری شده است. این ویژگی در شعر خاقانی نمود بیشتری دارد، به طوری که می‌توان گفت شعر خاقانی بهترین نمونه برای معرفی این شیوه از استعاره‌پردازی است (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۳۹۰: ۳۱). در این شیوه، شاعر معمولاً با استفاده از همان واژه‌های معمولی و ترکیب آن‌ها با هم، ترکیب واژگانی واحدی می‌سازد که ماهیتی ذهنی دارد و متمایز از هریک از واژه‌های تشکیل‌دهنده آن است. در ترکیباتی چون «مریم مشتری‌فر»، «روح فرشته‌مخبر» و «سام سپهرسپوت» هریک از واژه‌های این ترکیبات، کلماتی معمولی و رایج در زبان است؛ اما خاقانی با ترکیب چند واژه با هم، معنایی نوین خلق کرده که هم در سطح صورت و هم در معنا بدیع و غیرمنتظره است (همان: ۳۲). در قصاید سیف اسفرننگی هم این ویژگی دیده می‌شود و اتفاقاً بسامد بالایی دارد، با این تفاوت که در دیوان او، این استعاره‌های ترکیبی بیشتر تلمیحی است:

تیغ مکش مهروار بر تر و خشک جهان      ز آصف جمشیدفر سایه انصاف بین  
(اسفرننگی، ۱۳۵۷: ۳۹۹)

استعاره‌های ترکیبی تلمیحی در واقع یکی از کارکردهای این نوع از ترکیبات است. خاقانی در استعاره‌های ترکیبی تلمیحی خود، با ادعای این‌همانی ممدوح با شخصیت‌های مورد اشاره، تلمیح را بسیار فشرده کرده است. این فشردگی ذهن را به تکاپو وامی‌دارد (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۳۹۰: ۴۰). سیف اسفرننگی هم در بیت بالا، ادعای این‌همانی ممدوح را با دو شخصیت (آصف و جمشید) مطرح کرده است. به نمونه‌ای دیگر توجه کنیم:

خسرو بهرام تیر رستم بهمن کمان      موسی داوود درع مهدی عیسی شیم<sup>۶</sup>  
(اسفرننگی، ۱۳۵۷: ۲۱۳)



با توجه به همین ویژگی است که متوجه می‌شویم در بیت زیر، باید به جای کلمه «منزلش» که در دیوان آمده، کلمه «منزلت» قرار بگیرد:

گاه می‌خواند سپهرش ماه کیوان منزلش      گاه می‌گوید جهان برجیس خورشید اقتدار  
(همان: ۲۳۵)

در نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶) هم «کیوان منزلت» ضبط شده است (برگ ۱۴۴).

#### ۴. سیف اسفرنگی و شمس طبسی

با توجه به تاریخ تقریبی وفات شمس طبسی در میانه سال‌های ۵۹۷ق (یعنی سال دیدار عوفی با شمس<sup>۷</sup>) تا سال ۶۱۸ق (یعنی تاریخ تألیف *لباب‌الالباب* عوفی) و تاریخ ولادت سیف اسفرنگی (یعنی سال ۵۸۱ یا ۵۷۱ق) می‌توان گفت که سیف اسفرنگی در هنگام کهولت شمس طبسی، جوانی کم‌سن و سال بوده است. شمس طبسی در طیس ماندگار نمی‌شود و به سمرقند و هرات سفر می‌کند، به گونه‌ای که برخی از تذکرها (از جمله تذکره روز روشن<sup>۸</sup>) می‌نویسند که «در سمرقند به تدریس طلبه علم اشتغال داشت». بنابراین هر دو شاعر در یک منطقه سکونت داشته‌اند. نقطه اشتراک قصاید سیف اسفرنگی و شمس طبسی، پیروی و استقبال هر دو شاعر از قصاید انوری و خاقانی است؛ هرچند که کم‌وکیف آن متفاوت است. این مسئله که آیا سیف اسفرنگی به اشعار شمس طبسی نظر داشته، فرضیه‌ای است که اثبات آن نیاز به بررسی و تأمل بیشتری دارد. اما می‌توان با نگاهی کلی به قصایدی که هر دو شاعر در جواب یا به استقبال قصاید خاقانی یا انوری سروده‌اند، به ترکیبات مشترکی دست یافت. برای مثال، هر دو شاعر به استقبال قصیده خاقانی به مطلع زیر رفته‌اند:

ای عارض چو ماه تو را چاکر آفتاب      یک بنده تو ماه سزد دیگر آفتاب  
(خاقانی شروانی، ۱۳۷۴: ۵۸)

ترکیب زهره خنیاگر در قصیده خاقانی نیست، اما شمس طبسی در قصیده خود آورده

است:

از بهر استماع نواهای کلک تو      درمی جهد به زهره خنیاگر آفتاب  
(شمس طبسی، ۱۳۴۳: ۶)

همین ترکیب را سیف اسفرنگی هم به کار برده که می‌توان گفت به قصیده شمس نظر داشته است:

ور بشنود سماع تو در حال بشکند      چنگ و رباب زهره خنیاگر آفتاب  
(همان: ۱۱۷)

در قصیده‌ای دیگر که به استقبال از قصیده انوری به مطلع «جرم خورشید دوش چون گه شام / سر به مغرب فروکشید تمام» (انوری، ۱۳۷۲: ۳۰۳) سروده‌اند، مصراع اول مطلع سیف اسفرنگی شبیه شمس است:

دوش کز دامن سرادق شام      گشت پیدا هلال ماه صیام  
(اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۳۴۱)

دوش کز طره معنبر شام      چهره دهر گشت غالیه فام  
(شمس طبسی، ۱۳۴۳: ۵۷)

نکته اشتراک دیگر بین شمس طبسی و سیف اسفرنگی، آوردن صفات جانداران برای اسامی معناست. «یکی از ویژگی‌های سبکی شمس طبسی، به کاربرد صفات متناسب با انسان برای اسم‌های معناست؛ مثل هجران خیره‌روی، بخل سیاه‌کاسه و نیاز خشک لب و... مثلاً:

در خانه جهان چو بگسترده خوان جود      بخل سیاه‌کاسه از او راه در گرفت  
(شانظری، ۱۳۹۵: ۲۰۰)

سیف اسفرنگی هم ترکیباتی همچون از گدا، امید تهی دو، نیاز تهی دل و... در دیوان خود بسیار آورده است:

همچو قناعت به زیر پایه خوانش      از گدا قرص آفتاب شکسته<sup>۹</sup>  
(اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۴۳۳)

## ۵. خطاهای تصحیح

### ۱-۵. ناهماهنگی در به‌کاربردن رسم‌الخط نسخه

یکی از وظایف مصحح این است که رسم‌الخط امروزی را در تصحیح نسخه اعمال کند و فقط در مقدمه به ذکر ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه‌های استفاده‌شده بپردازد. مصحح دیوان سیف اسفرنگی نه تنها به ذکر این ویژگی‌ها نپرداخته، بلکه در ابیات بسیاری بآء تأکید را به فعل مضارع متصل نکرده که این مسئله به پیروی از نسخه‌ای اساس بوده است. اما در اعمال این ویژگی، روش هماهنگی را در پیش نگرفته؛ یعنی جایی بآء تأکید را متصل نکرده، همانند بیت‌های زیر:

اشارت می‌کند که به خط صدر صاحب چون      به پرسند آرزومندان نشان شکر تنگش

(همان: ۳۰۱)

هر که از باد خلاف تو به میرد گاه دفن      سازدش چون مشعله کین تراز آتش کفن

(همان: ۴۰۹)

و جایی هم متصل کرده:

بسته شود زبان رعد ار بکند به عهد او      بر کرم مجاز ابر از سر غفلت آفرین

(همان: ۳۹۲)

ور بخواهد چو تباشیر سحر بنماید      نور رای تو ز هر ذره‌ی خاکی قمری

(همان: ۴۳۴)

علاوه بر بآء تأکید، مصحح در پیوستن یا نپیوستن نون نفی هم، روش هماهنگی را در پیش نگرفته است. در بیت‌های زیر، نون نفی را متصل نکرده:

از پردلی چو خیمه‌گردون به هیچ وقت      دامن ز گرد قصد جهان بر نه چیده‌ای

(همان: ۴۹۷)

بیش نیارند دوست را به تماشا      بیش نه بیند یار را به گلستان

(همان: ۳۸۰)

در بیت بالا، در مصراع اول، نون نفی را پیوسته و در مصراع دوم متصل نکرده است.  
در بیت زیر نون نفی را به کلمه بعدی متصل کرده:

نصب نکنند علم فتح قضا روز و غا تا نبنند بر او از سر خصمت پرچم  
(همان: ۳۳۹)

### ۲-۵. ناهماهنگی در قرار دادن تُک

در دیوان سیف اسفرنگی، تُک در بیشتر ابیات در جای مناسب خود قرار نگرفته؛ مثلاً در مصراع «چون صدف ساده درون و از برون گوهرنگار» (۱۳۵۷: ۲۳۴)، تُک بر روی کلمه درون قرار گرفته و در پانویس نوشته: (۲) با= ساده برون و از درون. حال آنکه باید روی کلمه برون قرار می‌گرفت.

در برخی موارد، بر روی دو کلمه یک بیت، تُک گذاشته و در پانویس هم گزارش نامتناسبی ارائه داده:

از کف پاکباز تو بال و پری کند رجا دور نباشد ار دهد آز بدست او یمین  
(همان: ۳۹۳)

بر روی کلمات «پاکباز» و «بدست»، عدد ۲۱ گذاشته و در پانویس نوشته: (۲۱) پل-د-دهد از اثرش در ثمین. حال آنکه این گزارش نامناسب هم مربوط به مصراع دوم است نه هر دو مصراع.

### ۳-۵. ناهماهنگی در خواندن و نوشتن همچنانک، آنک

در پایان بیت یا مصراع کلماتی مثل همچنانک و آنکه، به‌ضرورت وزنی به‌صورت همچنانک و آنک نوشته و خوانده می‌شود. در دیوان سیف اسفرنگی، روش هماهنگی در این زمینه به کار نرفته. در اکثر بیت‌ها به همان صورت اصلی نوشته شده:

سرگشته باد همچو مثل گرد عالم آنکه در عهد تو به همت حاتم زند مثل  
(همان: ۳۰۹)

در نسخهٔ مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶) مصراع اول بدین شکل زیر آمده: «سرگشته باد همچو  
مثل گرد عالم آنک» (برگ ۲۱۱).

من به تقاضای عقل مدح تو گفتم از آنکه      قربت خورشید یافت تیر به رای صواب<sup>۱</sup>  
(همان: ۱۱۶)

نسخهٔ مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۸۰): «من به تقاضای عقل مدح تو گفتم از آنک».  
بعضی جاها هم رعایت کرده:

از جهان برداشت رسم خواستن دستش چنانک      در جهان نبود بجز دریا ز دستش عذرخواه  
(همان: ۴۵۰)

#### ۴-۵. روی دادن برخی خطاها به دلیل حذف یا افزونی نقطه

برای مثال در بیت زیر کاتب دو نقطه را سه نقطه فرض کرده و کلمه را سپاه خوانده:

با مدد لطف تو سپاه نکرده      خط معمای کبر لوح جبین را  
(همان: ۷۵)

حال آنکه با توجه به قرینه‌های «خط» و «لوح» در مصراع دوم، کلمهٔ درست «سپاه» است و  
سپاه نکردن در معنی ننوشتن به کار رفته. شاعر می‌گوید: با لطف تو کبر و غرور از بین رفته؛  
یعنی لطف تو اجازه نداده که غرور در تو راه یابد. در نسخهٔ مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ  
۴۱) هم کلمهٔ «سپاه» ضبط شده است.

در بیت زیر نقطه نگذاشته:

تو فزونی از سپهر ارچه نتیجه‌ای ارویی      چو کمال خط که باشد ز سواد نقطه مبدأ  
(همان: ۶۵)

در مصراع اول به جای «ارویی»، «از اوئی» درست است. شاعر می‌گوید: هرچند تو نتیجه و  
زائیدهٔ آسمان هستی، از او افزون و بیشتری. در نسخهٔ مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۵۴)  
هم «از اوئی» ضبط کرده است.

در بیت زیر هم به جای «بگیرد»، «نگیرد» درست است:

رجا را از امانی دل بگیرد به قدر همت ار احسان نماید

(همان: ۲۰۰)

در برگ ۱۳۱ نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶) مصراع اول بدین شکل آمده: «رجا را از امانی دل بگیرد». همین طور در بیت زیر ترکیب «خلقان نوش» اشتباه بوده و «خلقان پوش» که در هر دو نسخه مورد استفاده نگارنده آمده، صحیح است:

جهان گردست و خلقان نوش و آرام آن زمان گیرد

که کلک آصف اعظم کند از لای خفتانش

(همان: ۲۹۹)

نسخه مجلس، کتابت سال ۱۰۲۰، برگ ۸۳:

جهان گردست و خلقان پوش و آرام آن زمان گیرد

که کلک آصف اعظم کند از لای خفتانش

نسخه مجلس، کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۲۰۳:

جهان گردست و خلقان پوش و آرام آن زمان گیرد

که کلک آصف اعظم کند از لای خفتانش

در بیت زیر به جای کلمه «فی» در معنای سایه، کلمه «قی» صحیح است:

در بحر شورشی است زدشش که وقت مد تدبیر دفع مایه آن می کند به فی

(همان: ۴۷۳)

نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۳۳۵): «تدبیر دفع مایه آن می کند به قی».

۵-۵. ضبط نادرست

۱-۵-۵

انصاف تو در قوای حیوانی تألیف دهد سداب را با ماه

(همان: ۴۴۴)

با توجه به کلمه سداب<sup>۱۱</sup>، کلمه پایانی بیت، باید باه باشد نه ماه. در نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۳۰۱) هم «باه» آمده است.

۲-۵-۵

تا ز آفتاب قد دراز درخت را      کوتاه شود هرآینه وقت زوال پی

(همان: ۴۷۴)

در نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۳۳۶) به جای «پی»، «فی» در معنای سایه آمده که همین ضبط درست است؛ یعنی تا زمانی که به هنگام غروب آفتاب سایه قد درخت کوتاه می شود.

۳-۵-۵

خون در تنش ز غصه به خورشید چند گاه      و آخر فسرده از آتش کین تو همچونی

(همان جا)

احتمال دارد که کاتب در مصراع اول به جای کلمه «بخوشید»، «به خورشید» نوشته باشد؛ هر چند که در نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۳۳۵) بیت به شکل زیر آمده است:

خون در تنش ز غصه بجوشید چند گاه      و آخر فسرده ز آتش کین تو همچونی

۴-۵-۵

عکس جام تو اگر تیغ زند بر سر کوه      جوهر خاک سیه نعل شود در دل سنگ

(همان: ۳۰۵)

ضبط مصراع دوم در نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۲۰۷): «جوهر خاک سیه نعل شود در دل سنگ».

شاعر می گوید جام تو آنقدر سرخ رنگ است که بازتاب آن باعث می شود که حتی جوهر خاک سیاه هم به رنگ نعل درآید.

جالب است که مصحح جای دیگر به جای «نعل»، «لعل» ضبط کرده است:

صدرا ز لعل موکب تو هر مه آفتاب      بران خنگ چرخ نهد از هلال کی  
(همان: ۴۷۴)

لازم است که در بیت مورد نظر، به تشابه نعل و هلال ماه توجه شود. در نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۳۳۵) مصراع اول به این شکل آمده: «صدرا ز نعل موکب تو هر مه آفتاب».

۵-۵-۵. در بیت زیر به جای «آفتاب»، «ماهتاب» ضبط نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۳۳۵)، صحیح است:

چون آفتاب چاه مقنّع به صد طلسم      انگیخت گرد فتنه و شد در غبار غی  
(همان: ۴۷۴)

۶-۵-۵. در بیت زیر به جای کلمه «یمانی» که تناسبی با بیت ندارد، در چهار نسخه از نسخه‌بدل‌های مصحح، کلمه «امانی» (در معنی آرزوها) آمده که همین ضبط درست است و در نسخه مجلس (کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۵) هم امانی ضبط شده است:

صورت‌نگار نقش عطای تو دید و آنکه      بر دل نگاشت صورت آیینۀ امانی  
(همان: برگ ۵۰۴)

۷-۵-۵

چون سیر باردانه شوی در میان دام      آنکه کند گرانی معده سبک‌پرت  
(همان: ۱۵۶)

نسخه مجلس، کتابت سال ۱۰۲۰، برگ ۵۵:

چون سیر ناردانه شوی در میان دام      آنکه کند گرانی معده سبک‌ترت  
کلمه «باردانه» معنای محصلی ندارد. پس «ناردانه» صحیح است.

۸-۵-۵

به زبان خامه تو راست کند ملک چو فرق      به نظر عقل تو بیرون برد از ابرو خم  
(همان: ۳۴۰)



نسخه مجلس، کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۲۲۸:

به زبان راست کند خامه تو همچون برق      به نظر عدل تو بیرون برد از ابرو خم  
۹-۵-۵

از نطق مجرّه زینبی بست      نقره خنگ سپهر را اجرام  
(همان: ۳۴۱)

در این بیت، فاعل ایام است نه اجرام. پس صورت صحیح بیت به شکل زیر است (نسخه مجلس، کتابت سال ۱۰۲۶، برگ ۲۲۶):

از نطق مجرّه زینبی بست      نقره خنگ سپهر را ایام  
۱۰-۵-۵

پیش بحر دست او زآینه مصقول برق      در خوی خجلت نماید عارض ابر مطیر  
(همان: ۲۵۳)

در بیت بالا منظور شاعر این است که چهره ابر بارنده در مقابل دریای دست بخشنده ممدوح، در آینه برق در عرق شرم و خجالت نشان داده می شود. پس به اعتبار کلمه آینه و چهره نشان داده شدن در آینه، مصراع دوم بدین شکل زیر صحیح است: «در خوی خجلت نماید چهره ابر مطیر» (نسخه مجلس، کتابت سال ۱۰۲۶، ۱۶۲).

## ۶. نتیجه گیری

با توجه به اینکه سیف اسفرنگی در بین شاعران زبان و ادبیات فارسی کمتر شناخته شده و نظر به اینکه دیوان این شاعر حدود چهل سال پیش با رسم الخط مرسوم آن زمان و البته به صورت سنگی منتشر شده، از سویی دیگر مصحح دیوان از بسیاری نسخه های دیگر چشم پوشی کرده یا اصلاً در زمان مصحح ناشناخته بوده اند، بنابراین تصحیح مجدد این اثر با مقابله تمامی نسخه های دیوان سیف اسفرنگی از ضرورت های تصحیح در سده ششم هجری است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه‌های دیگر، نک: ص ۷۹، بیت ۱۰؛ ص ۴۹۶، بیت ۷.
۲. در این باره نک: اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۴۲-۴۳؛ صفا، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۹۵.
۳. همانند این بیت: کاین طرز نگفته است از ارباب سخن هرگز/ تا غایت عهد من کس از پس خاقانی (اسفرنگی، ۱۳۵۷: ۴۶۷).
۴. در مقاله باباصفیری و نصری، به این دو ویژگی اشاره نشده است.
۵. مرا دل پیر تعلیم است و من طفل زبان‌دانش / دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش (خاقانی شروانی، ۱۳۷۴: ۲۰۹).
۶. نیز نک: ص ۳۷۱، بیت ۱۱ / ص ۳۰۶، بیت‌های ۴-۵.
۷. نک: عوفی، ۱۳۳۵: ۶۰۷.
۸. نک: صبا، ۱۳۴۳: ۴۳۴.
۹. نیز نک: ص ۳۰۹، بیت ۱۶؛ ص ۴۴۵، بیت ۵؛ ص ۴۳۳، بیت ۱۰.
۱۰. نیز نک: ص ۲۲۱، بیت ۲۹؛ ص ۴۲۵، بیت ۲۹؛ ص ۴۰۹، بیت‌های ۱۳-۱۴.
۱۱. نام گیاهی دوایی مانند پودنه که خوردن آن دفع قوت باه و مباشرت مردان کند (ابن خلف تبریزی، ۱۳۶۲).

### منابع

۱. ابن خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۶۲)، **برهان قاطع**، به اهتمام و حواشی محمد معین، تهران: امیرکبیر.
۲. اسفرنگی، سیف‌الدین (۱۳۵۷)، **دیوان**، با مقدمه و تصحیح زبیده صدیقی، مولتان پاکستان، وزیر اعوان-قومی ثقافتی مرکز بهبود.
۳. انوری، علی بن محمد (۱۳۷۲)، **دیوان**، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.

۴. باباصفری، اصغر، و گلپر نصری (۱۳۸۸)، «سیف اسفرنگی و اثر پذیری وی از خاقانی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ۱۷، شماره ۶۶.
۵. پارسا، سید احمد، و فردین حسین پناهی (۱۳۹۰)، «استعاره‌های ترکیبی، گونه‌ای نویافته از استعاره در سروده‌های خاقانی»، *مجله بوستان ادب*، شیراز، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۸).
۶. حیدری، علی (۱۳۸۴)، «مدح‌گریزی فلسفه تجدید مطلع در قصاید خاقانی»، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، سال چهارم، شماره پیوسته ۱۱.
۷. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجّار (۱۳۷۴)، *دیوان*، تصحیح، مقدمه و تعلیقات ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوآر.
۸. شانظری، علیرضا (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی تصحیح دیوان شمس طوسی»، تهران: آینه میراث، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۸).
۹. شمس طوسی، قاضی شمس‌الدین محمد بن عبدالکریم (۱۳۴۳)، *دیوان*، تصحیح تقی بینش، مشهد: زوآر.
۱۰. شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، *سبک‌شناسی نظم*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۱. صبا، مولوی محمد مظفر حسین (۱۳۴۳)، *تذکره روز روشن*، تصحیح محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
۱۲. صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس.
۱۳. عوفی، محمد (۱۳۳۵)، *لباب الالباب*، از روی چاپ اروپا (تصحیح براون، قزوینی) با تصحیحات و تعلیقات جدید سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی علمی.
۱۴. محجوب، محمدجعفر (۱۳۷۲)، *سبک خراسانی در شعر فارسی*، تهران: فردوس و جامی.

